فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc429918131)

[معرفت به خداوند ریشه ایمان 2](#_Toc429918132)

[عاجز بودن در ادای حق خداوند 2](#_Toc429918133)

[عدم امکان شناخت کامل خداوند برای بشر 3](#_Toc429918134)

[ماورای تصور خداوند از عقل بشر 3](#_Toc429918135)

[عارض شدن صفات بر انسان 4](#_Toc429918136)

[علت عدم درک عقل به صفات خداوند 4](#_Toc429918137)

[خطبه دوم 5](#_Toc429918138)

[استفاده از عمر در جهت افزایش تقوا 5](#_Toc429918139)

[دو معنی اصلاح‌طلبی 5](#_Toc429918140)

[اصلاح‌طلبی موردقبول 6](#_Toc429918141)

[اصلاح فرهنگ و روش‌های سیاسی نیاز جامعه 6](#_Toc429918142)

[اصلاح‌طلبی غیرقابل‌قبول 6](#_Toc429918143)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه»[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# معرفت به خداوند ریشه ایمان

**امام علی (ع) در نهج‌البلاغه در مورد ایمان، معرفت و محبت به خداوند بسیار صحبت کرده‌اند که از عمیق‌ترین و جامع‌ترین معارف توحیدی در تاریخ بشریت است. توحید برای معارف دین همچون ریشه برای درخت است، بدین معنی که بدون خداشناسی تمام اخلاق و احکام فرومی‌ریزد و می‌خشکد، پس لازم است که انسان برای تقویت ایمان خود، ریشه شناخت خداوند را در خود تقویت کند. خطبه اول نهج‌البلاغه از خطبه‌های بلند و عمیق و فوق‌العاده زیبا است. قسمت اعظمی از این خطبه به بحث توحید اشاره دارد.**

قسمت اول خطبه یکم نهج‌البلاغه به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول به توانایی محدود ما در شناخت و ستایش خداوند و بخش دوم به علت آن‌که بی‌نهایت بودن خدا و اینکه او فراتر از زمان و مکان است، اشاره دارد.

در قسمت دوم خطبه یکم، امام علی به خلقت عالم می‌پردازند.

# عاجز بودن در ادای حق خداوند

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُون»[[3]](#footnote-3) حمد و سپاس خدایی را است که زبان‌های گویا و سخنوران زبردست به حد ستایش او نخواهند رسید «**وَ لَا یحْصِی نَعْمَاءَهُ الْعَادُّون»[[4]](#footnote-4)** خداوندی که اگر همه شمارش گران جمع شوند، از شمارش نعمت‌های او عاجزند. **«وَ لَا یؤَدِّی حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُون»[[5]](#footnote-5)** خدایی که اگر همه عبادت گران و نیایش گران عالم جمع شوند از ادای حق او عاجزند. در این سه جمله امام علی (ع) تأکید کردند که ما از ادای حق خداوند قاصریم. این‌یک محور بسیار مهم در معارف توحیدی است.

# عدم امکان شناخت کامل خداوند برای بشر

**«الَّذِی لَا یدْرِکهُ بُعْدُ الْهِمَمِ وَ لَا ینَالُهُ غَوْصُ الْفِطَن»[[6]](#footnote-6)** خدایی که عقل‌ها، همت‌ها و اداره‌های بسیار قوی از شناخت و دسترسی به او عاجزند. این جملات بیان می‌کند که ذهن ما توانانی معرفت خداوند را دارد اما این شناخت در برابر عظمت خداوند ناچیز است و امکان شناخت کامل خداوند برای بشر غیرممکن است**. «لَا تَفَکرُوا فِی ذَاتِ اللَّه»[[7]](#footnote-7)** در ذات و حقیقت خداوند فکر نکنید. این جمله در روایات بسیاری واردشده است. منظور از این روایت چنین است: امکان شناخت کامل خداوند برای انسان وجود ندارد. همیشه به هر حدی از معرفت خداوند رسیدیم بدانیم که این حق شناخت خداوند نیست. مناجات خمس عشر که در ابتدای مفاتیح ذکرشده است از مناجات ذاکرین است و یکی از این مناجات‌های پانزده‌گانه چنین آغاز می‌شود: خدایا ما از عهدهٔ حمد و سپاس تو آن‌گونه که شایسته توست بر نخواهیم آمد، اما تو به ما اذن دادی که در حد توان به سمت تو حرکت کنیم. در جمله‌ای از پیامبر اکرم خطاب به امام علی چنین بیان‌شده است: **«یا عَلِی مَا عَرَفَ اللَّهَ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَنِی إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَک إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا»[[8]](#footnote-8)** یا علی خدا را نمی‌شناسد، مگر من و تو، و مرا نمی‌شناسد کسی، مگر خدا و تو و تو را آن‌طور که حق توست نمی‌شناسند، مگر خدا و من. با توجه به این حدیث نباید فکر کرد که پیامبر می‌تواند حق خداوند را ادا کند، اما به دلیل عظمتی که پیامبر و امام علی دارا هستند، آنان بیش از هرکسی می‌توانند خدا را بشناسند، به این جهت پیامبر می‌فرمایند: یا علی عالی‌ترین درجه شناخت خداوند از برای من وتوست. در روایات فراوانی از شیعه و سنی نقل‌شده است: میان پیامبر و علی رابطه خاصی وجود داشت که هیچ احدی در این رابطه شریک نبود، چراکه هیچ‌کس به درجه آن‌ها نرسیده بود.

# ماورای تصور خداوند از عقل بشر

در روایت دیگری نیز واردشده است**: «لَا تُقَدِّرْ عَظَمَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَی قَدْرِ عَقْلِک فَتَکونَ مِنَ الْهَالِکین»[[9]](#footnote-9)** ای انسان عظمت خدا را باعقل خود اندازه نگیر، که در غیر این صورت هلاک خواهید شد. عظمت خداوند در ظرف کوچک‌مغز انسان جای نمی‌گیرد، گویی که بخواهیم اقیانوسی را درون جام کوچکی جای دهیم. در تاریخ کسانی بودند که در شناخت خداوند به ضلالت افتادند، چراکه خداوند را همچون خود می‌دانستند. اصحاب حضرت موسی به خاطر کمبود عقل خود از ایشان خواستند که خدا را به آنان نشان دهد. این گمراهی آنان بود که فکر می‌کردند خداوند همچون موجودات محدود قابل دید است. حضرت موسی آنان را به کوه طور برد و با تجلی خداوند، کوه در هم کوبیده شد و همه مردند. حضرت موسی نشان داد که شناخت خداوند به‌سادگی امکان ندارد و دیدن او هیچ امکان ندارد. بسیاری از مواد در همین دنیا با حواس پنج‌گانه قابل‌درک و دیدن نیست، چه رسد به خداوند که موجود بی‌نهایت است. اسلام، قرآن، نهج‌البلاغه و روایات، مطالبی را درباره توحید فرموده‌اند که از عقل قاصر بشر بسیار بالاتر است.

در روایات بیان‌شده است: معنای سوره توحید و آیات پایانی سوره حشر را در این زمان نمی‌فهمید و مردمانی در آخر زمان معانی آن را بهتر می‌فهمند، بدین معنی که توحیدی که در قران مطرح‌شده است از فهم انسان‌های عادی خارج است و پیشرفت بشر در طی سالیان دراز می‌تواند کمی به فهم ما در توحید خداوند کمک کند.

در ادامه خطبه امیرالمؤمنین می‌فرمایند**: «الَّذِی لَیسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَ لَا نَعْتٌ مَوْجُودٌ وَ لَا وَقْتٌ مَعْدُودٌ وَ لَا أَجَلٌ مَمْدُود»[[10]](#footnote-10)** صفات و ذات خداوند حد، اندازه و زمان بردار نیست، آغاز و پایان ندارد.

# عارض شدن صفات بر انسان

اصل وجود ما انسان‌ها چیز دیگری است و صفات ما چیزی است که بر ما عارض می‌شود، همچون نوزادی که تازه متولد می‌شود. این نوزاد اصل وجودش در عالم پدید آمده است اما قدرت و علم و ... ندارد، درگذر عمر رشد می‌کند و بر علم و توانایی او افزوده می‌شود. پس علم و توانایی و تمام چیزهایی که کسب می‌کنیم اضافه بر وجود ما است اما در مورد خداوند این‌گونه نیست. **«وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَی کمَا خَلَقْنَاکمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ»[[11]](#footnote-11)** و (روز قیامت به آن‌ها گفته می‌شود:) همه شما تنها به سوی ما بازگشت نمودید، همان‌گونه که روز اول شمارا آفریدیم! یعنی انسان هرچقدر هم که علم و قدرت کسب کرده باشد، بسیار ناچیز است، گویی که اصلاً چیزی کسب نکرده باشد و همچون روز اول به سمت خدا بازمی‌گردد.

# علت عدم درک عقل به صفات خداوند

یکی از مسائل مهم توحیدی این است که خداوند صفات زائد بر ذات ندارد، و اینکه علم و قدرت یا دیگر صفات او از یکدیگر جدا باشند یا این اوصاف بر او عارض شده باشد. ذات و وجود خدا عین صفات اوست و صفات او نیز عین یکدیگرند. درک چنین چیزی برای ما غیرقابل فهم است و تنها به هرکس در حد شعور و آگاهی خودش از این شعاع نور خداوند بهره می‌برد. **«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کمِشْکاةٍ فی‌ها مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ»[[12]](#footnote-12)**خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد. منظور از نور آسمان‌ها و زمین، نور تمام هستی است که عالم معنوی را نیز شامل می‌شود. دنیا همچون پنجره‌ای است که به روی دنیایی از نور خداوند بازشده است، همچون خانه‌ای است که از نور خورشید به‌اندازه خودش بهره می‌برد، اما نور خورشید تمام عالم را فراگرفته است و نباید نور خورشید را محدود به همان ساختمان بدانیم.

**«بِسْمِ اللّه الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ، وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ»[[13]](#footnote-13)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[14]](#footnote-14)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# استفاده از عمر در جهت افزایش تقوا

**امام علی همه ما را به تقوا سفارش می‌کنند و می‌فرمایند: بندگان خدا بدانید که تقوا دژ استوار رستگاری شماست. گناه و معصیت زندان ذلت آفرین شماست. بندگان خدا بدانید که زمان مانند گذشتگان بر شما نیز خواهد گذشت، همان‌طور که نسل‌ها گذشت و اقوام و ملت‌های گوناگون عمرشان به سرانجام رسید، بر شما نیز چنین خواهد شد. آنچه می‌گذرد برای شما قابل بازگشت نیست و آنچه در پیش رودارید، همیشه برای شما نخواهد ماند، پس به هوش باشید تا از زمان گذرا توشه‌های باقی و ماندگار برگیرید. تقوایی که مایه نجات امروز شما و رستگاری شما در روز قیامت است.**

# دو معنی اصلاح‌طلبی

**اصلاح‌طلبی واژه‌ای است که امروزه در کشور و در سخنان رهبر معظم انقلاب و در ادبیات جدید کشور نیز موردگفتگو قرارگرفته است. اصلاح‌طلبی همان بازسازی روش‌ها و برنامه‌های داخل کشور است که در دو معنا استفاده می‌شود و اگر در مرز این دو معنی دقت شود، راه برای ساختن کشور و وحدت و ارتباط بیشتر گروه‌ها تقویت می‌شود. در رعایت این مرز، توجه به مسائل عالی کشور و توجه به مبانی ارزشی انقلاب باید دقت شود تا مبادا ضربه‌ای ببینند، که در غیر این صورت دچار خطرات بزرگی خواهیم شد. جناح‌های ما در داخل کشور باید به عمق مشکلات امروز ملت و خطر از دست دادن وحدت بیندیشند تا دچار خطرات ناشی از آن نشویم.**

# اصلاح‌طلبی موردقبول

**اصلاح‌طلبی در یک معنی قابل‌قبول و الزامی است که مقام معظم رهبری نیز بر این نوع اصلاح‌طلبی تأکیددارند، به این معنی که ما مبانی اصلی و ارزش‌های بنیادی اسلامی که بر اساس آن انقلاب ما شکل‌گرفته است و شهیدان زیادی را در این راه فدا کردیم، حفظ کنیم. در مسیر این اصلاح‌طلبی باید استقلال خود را حفظ کرده و دچار پراکندگی نشویم که در این صورت ملت ما دیگر روز خوشی و سعادت را نخواهد دید. ملت ما این امر را تجربه کرده است که آزادی و استقلال کشور در شعاع احکام و تعالیم اسلامی مفهوم می‌گیرد. دشمنان ما بسیار هوشیارند و درصدد ضربه زدن به ملت هستند و جناح‌های داخل کشور نباید چنین فکر کنند که جنگ تمام‌شده و دیگر دشمنی نداریم اما این بدین معنی نیست که تمامی مشکلات از دشمنان نشأت می‌گیرد بلکه بااراده و برنامه‌ریزی قوی می‌توان بر دشمن غالب شد. چنین اصلاح‌طلبی موردنیاز است و جناح‌های مؤمن و معتقد باید مسیر خود را از جناح‌ها و اشخاصی که تمام اصول اسلام را زیر سؤال می‌برند جدا کنند. رهبر معظم انقلاب فرمودند: اگر ما دویست مطبوعات داشته باشیم، بازهم نیاز است.**

# اصلاح فرهنگ و روش‌های سیاسی نیاز جامعه

**اصلاح در افکار و اندیشه‌ها و فرهنگ امری است که شهید مطهری با روشن‌فکری خود انجام دادند و بسیاری از رسوباتی که ممکن است در افکار ما و آید اما از اساس دین نباشد، موردبحث قرار داده‌اند. اصلاح روش‌های سیاسی و حکم‌داری چیزی است که با گذر زمان لازم است. اصلاح اقتصادی، توجه به ضرورات زمان، اصلاح روش‌های تبلیغ دین و جذب نسل جوان به سمت دین جزو ضرورات است. عالمان دین و طلاب باید توجه داشته باشند که نسل جوان شاید بسیاری از نکات را توجه نداشته باشند و حتی نکاتی درباره آنان وجود داشته باشد که ما نمی‌دانیم. در این اصلاح‌طلبی‌ها باید وسواس بسیار به خرج داد.**

# اصلاح‌طلبی غیرقابل‌قبول

**اصلاح‌طلبی منفی، نوع دوم اصلاح‌طلبی است. این اصلاح‌طلبی به قیمت زیر سؤال بردن مبانی اصلی انقلاب است، کما اینکه چند مورد صورت گرفته است. نهاد روحانیت و حوزه اگر از حکومت جدا شود غلط نیست اما اصل حکومت دین و اصل ارتباط دین باسیاست نباید زیر سؤال برود. مقدسات و ارزش‌های محکم اسلام در اصلاح‌طلبی منفی زیر سؤال می‌رود. تبلیغات امریکا و اسرائیل درزمینهٔ کم‌رنگ کردن حجاب و معیارهای اخلاقی و جدا کردن حکومت از دین همان اصلاح‌طلبی منفی است که باید از آن احساس خطر کرد. مشکل زمانی آغاز می‌شود که مرز این دو نوع اصلاح‌طلبی به هم بریزد و اساس مشروعیت حکومت و حتی حکومت امام علی (ع) بر رأی مردم استوار است و دین از سیاست جدا است و این‌که در همه‌چیز تسامح و تساهل باید به خرج دهیم. اگر جناح‌های کشور به این نکات توجه نکنند ممکن است حتی آزادی‌های صحیح اولیه را نیز از دست بدهیم.**

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **.سوره اعراف، آیه 43** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره حشر، آیه 18.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص 39** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. همان** [↑](#footnote-ref-4)
5. . **نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص 39** [↑](#footnote-ref-5)
6. همان [↑](#footnote-ref-6)
7. نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص 389 [↑](#footnote-ref-7)
8. مختصر البصائر، ص 336 [↑](#footnote-ref-8)
9. التوحید (للصدوق)، ص 56 [↑](#footnote-ref-9)
10. . نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص 39 [↑](#footnote-ref-10)
11. . الأنعام، آیه 94 [↑](#footnote-ref-11)
12. . النور، آیه 35 [↑](#footnote-ref-12)
13. . توحید، آیات 1 تا 4 [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره آل‌عمران، آیه 102 [↑](#footnote-ref-14)